

خانواده نعیمی ۶۲ سال است که روز عاشورا نذر قدیمی شان را ادا می‌کنند

میراث شیرین «آقاجون»

۹



عیدگاه

رباحی | خرداد سال ۱۳۴۲ بود که حاج غلامحسین نعیمی به همسرش، گوهرنشا خانم، گفت: «هوا خیلی گرم است. بیا دوتا کتری شربت درست کنیم و ببریم بین دسته های عزاداری.» همین پیشنهاد حاج غلامحسین می شود آغاز یک نذری خانوادگی که ۶۲ سال است ادامه دارد. هشت سالی است که حاج غلامحسین و همسرش از دنیا رفته اند، ولی وصیتشان هنوز پابرجاست و فرزندان شان از کوچک و بزرگ نگذاشته اند خواسته والدینشان روی زمین بماند. آن ها باتوان و قدرت بیشتری نذری شربت را ادامه می دهند؛ به طوری که حالا دوتا کتری جای خودش را به پانصد لیتر شربت شیرین و خنک داده است.

● شروع نذری با ۲ کتری شربت

حمید آقا پسر بزرگ خانواده نعیمی و ساکن محله آب و برق است. پدرش تابستان گرم سال ۱۳۴۲ را برایش اینطور تعریف کرده است. پنج ساله بودم که پدر مرحومم یک باره تصمیم گرفت از عزاداران ابا عید...^(۲) با شربت پذیری کند. همین شد که با هم رفتیم سه کیلو شکر، یک مشت تخم شربتی، یک شیشه گلاب و چند پز عفران گرفتیم که حاصلش شد دو کتری شربت. حمید آقا می گوید: از آنجا که در خانه مان همیشه مهمان داشتیم، مرحوم مادرم دوتا کتری در انباری داشت و همان ها را آورد و داخلش را پر شربت کردیم. ماشین که نداشتیم. برای همین دوتا کتری را پدرم برداشت و چند تا لیوان هم به دست من دادند و رفتیم بین دسته های عزاداران و از آن ها با این شربت خنک و

شیرین پذیری کردیم. در آن روز گرم مردم عزادار حسابی از این نذری حاج غلامحسین کیف کردند. همین شد که همان جا او به خانواده اش وصیت کرد: «این نذری هر سال باید ادامه داشته باشد؛ چه من باشم و چه نباشم.»

● همه اش لطف امام حسین (ع) است

مجید آقایی دیگر از پسران خانواده نعیمی است. او از سال ۱۳۵۰ پای ثابت نذری پدرش است و از سال ۱۳۶۲ همه امور درست کردن شربت را همراه با برادر بزرگ ترش بر عهده گرفته است. او توضیح می دهد: سال ۱۳۶۲ حمید آقا از خدمت سربازی برگشت. پدرم بازنشسته شده بود و دیگر خیلی وقت و حوصله قبل را نداشت، ولی اصرار داشت که نذری باید برقرار باشد. برای همین من و حمید آقا همه کارها را بر عهده گرفتیم و هر سال هم بر کمیت و

کیفیت نذری پدرمان اضافه کردیم. همین امسال به لطف آقا امام حسین^(ع) پانصد لیتر شربت درست کردیم که بتوانیم از تعداد بیشتری از عزاداران امام حسین^(ع) پذیری کنیم. آن های یک روز کامل مشغول بوده اند؛ از حل کردن شکر گرفته تا خیس کردن تخم شربتی ها.

● همه خانواده پای کارند

برای خانواده نعیمی حفظ میراث نذری حاج غلامحسین که همگی «آقاجون» صدایش می کردند، بسیار واجب است و نباید وصیت پدر و پدربزرگشان روی زمین بماند. برای همین در درست کردن شربت و توزیع آن خیلی از اعضای خانواده پای کار می آیند و دستی می رسانند. محمدنوه دختری حاج غلامحسین است که سی سال سن دارد. او که هر سال در توزیع شربت حضور دارد، می گوید: ظهر عاشورای امسال هوا خیلی گرم بود و خوش حالم که توانستم در نذری پدربزرگم حضور داشته باشم و کام عزاداران را شیرین کنیم. علی، سینا، مهدی، الینا و زاد پرنوه های خانواده هستند که همگی چند سالی است در این نذری خانوادگی حضور دارند. آن هایی که توانش را دارند، کتری به دست می گیرند و برای مردم شربت می ریزند. آن ها که کوچک تر هستند، لیوان یک بار مصرف بین عزاداران توزیع می کنند. الینا کلاس اول دبیرستان است و وزا هم کلاس سوم. هر دو شان در حال پخش لیوان هستند. الینا می گوید: این کاری است که از دست ما برمی آید. من تقریباً از پنج سال پیش هر سال در نذری شربت خانواده حضور داشته ام و سعی می کنم هر سال کنار پدربزرگم، حمید آقا، حضور داشته باشم.



نوجوان محله استاد یوسفی
بعد از درخشیدن در مسابقات کشوری، عازم حج شد

دقایق با ارزش زندگی

حضرت رقیه^(س) خیلی بی تابم می‌کند. در بسیاری از روضه های دیگر نیز سعی می‌کنم اسمی از این سه ساله بزرگوار بیاورم و یادش کنم. اما جدا از این، ارادت خاصی به حضرت علی^(ع) دارم. افتتاح نام این است که شیعه هستم و وقتی نام امیرالمؤمنین^(ع) را می‌برم، به خودم می‌بالم.

● مراسم بوده است که در آن مداحی کرده باشی و خیلی به دل خودت نشسته باشی؟

در روضه ها و محافل عمومی چون نمی‌توانم راحت گریه کنم، سبک نمی‌شوم، اما گاهی سه چهار نفری باقیه دوستان مداح و روضه خوان، برای خودمان روضه خصوصی می‌گیریم. این ها خیلی دل چسب است و سبکم می‌کند.

● خاطره ای در عرصه مداحی داری؟

پس از اینکه در مسابقات کشوری مقام آوردم، یک روز زنگ زدند و گفتند اسمم را برای سفر حج عمره رد کرده اند. در عرض چند روز کارهای گذرنامه ام را انجام دادم و بعدش خودم را در سرزمین وحی دیدم و شدم حاج ابوالفضل. بهترین خاطره عمرم همین بود. تک تک آن ساعت ها و دقیقه ها برایم ارزش داشت.

● به جز مداحی در عرصه های دیگری فعالیت داری؟

از سال ۱۴۰۰ دارم کاراته کار می‌کنم و پارسل مقام استانی آوردم. ولی در کل کاراته بیشتر برایم جنبه حفظ سلامتی دارد و دنبال قهرمانی در آن نیستم. خدا توفیق دهد که خدمتگزار ائمه^(ع) باشم.

● کلاس یا دوره ای

برای مداحی رفته ای؟

فقط موقعی که به مسابقات کشوری دعوت شدم، دارالقرآن مرکزی استان یک دوره آموزشی برایمان گذاشت. به جز این به هیچ کلاس دیگری نرفته ام.

● موقع مداحی برای

کدام یک از ائمه (ع) بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیری؟
در این ایام محرم و صفر روضه



امید محله



فهیمة شهری | هفده سال بیشتر ندارد، اما آن قدر در عرصه مداحی درخشیده که مداح ثابت هیئت متوسلین به حضرت ولی عصر^(ع) است و در طول سال برای شان مداحی می‌کند. ابوالفضل خان چوپانی پارسا مقام سوم کشور در مسابقات قرآن، عترة و نماز آموزش و پرورش را به دست آورده است و تجربه مداحی در برنامه های مختلف آموزش و پرورش، آستان قدس و حرم رضوی را دارد. ماه محرم و صفر برای این دانش آموز محله استاد یوسفی ماه پرکاری است و هر روز از عصر تا پاسی از شب در محافل مختلف برای مداحی مجالس روضه امام حسین^(ع) حضور دارد.

● مداحی را از کی شروع کردی؟

از کلاس سوم دبستان. پیش از آن قاری بودم و در رشته قرائت مقام استانی دارم. چون نواهای حزن انگیز قرآن را خیلی خوب تلاوت می‌کردم، به مداحی رو آوردم.

● اولین مداحی ات چطور بود؟

هیئت متوسلین به حضرت علی^(ع) در همسایگی خانه مان بود و من در مراسم مختلفش حضور داشتم. یک بار در انتهای مراسم خواستم میکروفون را به من بدهند تا مداحی کنم. با وجود اینکه تعداد کمی در برنامه حضور داشتند، استرس زیادی داشتم. اما خدا را شکر خوب بود و این قدر همه از مداحی ام تعریف کردند که باعث شد دفعه های بعدی در حضور تعداد افراد بیشتری مداحی کنم.

۱۰